

پیامدهای گسترش حضور داعش در افغانستان بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

غلامعلی چگنی زاده^۱

سید محمد کاظم سجادی پور^۲

محمد تقی جهان بخش^۳

داعش به عنوان موجودیتی جدید، تحت لوای اسلام خشونت‌بارترین کنش‌ها را انجام داده و در چشم‌انداز حکومتی خود ایده تشکیل «ولایت خراسان» را دنبال نموده است. با توجه به این چشم‌انداز و نیز اقدامات بعدی از جمله اعلام موجودیت داعش در افغانستان این پرسش مطرح می‌شود که تقویت حضور داعش در افغانستان، چه پیامدهایی برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت؟ مقاله حاضر با تکیه بر روش دلفی به عنوان یکی از فنون شناخته‌شده در آینده‌پژوهی، تلاش کرده است تا با بهره‌گیری از نظرات نخبگان و کارشناسان برجسته مسائل افغانستان، ابعاد مختلف این مسئله را مورد کنکاش و بررسی قرار دهد. در راستا پاسخ به پرسش فوق، هفده نفر از کارشناسان مسائل افغانستان که از طریق روش نمونه‌گیری گلوله برفی انتخاب شدند، طی چهار دور دلفی به پرسش‌های مطرح‌شده پیرامون ابعاد مختلف این مسئله پاسخ دادند که از میان ۱۹ پرسش در ۱۴ مورد اجماع حاصل گردید. یافته‌های مقاله حکایت از آن دارند که تقویت حضور داعش امنیت ملی ایران را در ابعاد داخلی و بین‌المللی مورد تهدید قرار می‌دهد. فرصت‌هایی مانند گسترش همکاری‌های فنی و اطلاعاتی یا ایجاد ترتیبات منطقه‌ای و بین‌المللی نیز در این میان متصور است، اما در قیاس با تهدیدهای مطرح‌شده قابل توجه نیستند. همچنین با توجه به تفاوت موجود در شکل و ماهیت حضور داعش در سوریه و افغانستان به نظر می‌رسد، نحوه مواجهه ایران نمی‌تواند و نمی‌بایست مشابه مورد سوریه باشد.

واژگان کلیدی: امنیت ملی، افغانستان، ایران، داعش، روش دلفی.

^۱ نویسنده مسئول، دانشیار گروه روابط بین الملل، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

Email: chegnizadeh@yahoo.com

^۲ استاد روابط بین الملل، دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه، تهران، ایران.

Email: Smksajjad@yahoo.com

^۳ دانشجوی دکتری روابط بین الملل، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

Email: djahanbakhsh@gmail.com

- این مقاله علمی می‌باشد. تاریخ دریافت ۹۹/۱۲/۱۴ و تاریخ پذیرش ۱۴۰۰/۲/۲۷

مقدمه

داعش^۱ یا آنچه به «دولت اسلامی عراق و شام» موسوم است، به‌عنوان شاخه‌ای از جریان القاعده^۲ تلقی می‌شود که پس از جهش‌های ژنتیکی سیاسی به گروهی شورشی و بی‌رحم تبدیل شد. این گروه که یکی از رادیکال‌ترین گروه‌های افراط‌گر است، از اواسط سال ۲۰۱۳ اعلام موجودیت کرد و پس از آن توانست به سرعت بخش‌های قابل توجهی از سوریه و عراق را تحت کنترل خود درآورد.

یکی از تلاش‌های این گروه معطوف به فراهم ساختن جای پای در افغانستان بود که در اوایل سال ۲۰۱۵ (زمستان ۱۳۹۳) آغاز شد. هرچند در ابتدا مقامات افغانستان حضور داعش در این کشور را تکذیب کرده و تبلیغاتی می‌دانستند، اما گذر زمان نشان داد که این گروه به راحتی قابل هزیمت نیست و سودای حکمرانی بر «مشرق اسلامی» را دارد و آسیای مرکزی، افغانستان و شبه‌قاره هند اهداف احتمالی آینده این گروه شورشی خواهند بود.

شکل شماره (۱): نقشه چشم‌انداز سرزمینی داعش



Source: (Zahid, 2017)

^۱. دولت اسلامی عراق و شام (به فارسی) و الدوله الاسلامیه فی عراق و الشام (به عربی) اختصاراً داعش نامیده می‌شود. در زبان لاتین این نام به صورت Islamic State of the Iraq and Levant یا Islamic State of the Iraq and Syria and اختصاراً به صورت ISIS, ISIL و IS مورد استفاده قرار می‌گیرد.

^۲. Al-Qaeda

با توجه به شکست داعش در سرزمین‌های عربی، گمانه‌زنی‌هایی پیرامون مقاصد بعدی داعش ارائه شد که در این میان افغانستان یکی از مستعدترین کشورها برای پذیرایی از جنگجویان داعش به نظر می‌رسد. در این میان، آنچه برای پژوهشگران ایرانی اهمیت می‌یابد، همسایگی جمهوری اسلامی ایران و افغانستان است. سابقه ناامنی در افغانستان به بیش از چهار دهه پیش بازمی‌گردد. این ناامنی طولانی مدت هر چند به‌طور مستقیم تهدیدی جدی علیه مرزها و تمامیت ارضی کشورمان نبوده، لکن تبعات غیرمستقیم آن همیشه منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی را متأثر ساخته است.

افغانستان به‌عنوان همسایه بلافصل جمهوری اسلامی ایران، بیشترین اشتراکات تاریخی، فرهنگی و تمدنی را بیش از هر کشوری با ایران دارد. وجود بیش از نهمصد کیلومتر مرز مشترک، زبان مشترک، فرهنگ و تاریخ مشترک، دین یگانه و عوامل متعدد دیگر موجب اهمیت افغانستان برای ایران بوده است. وجود این اشتراکات از سویی فضای مناسبی جهت نزدیکی دو کشور و ملت در حوزه‌های مختلف فراهم می‌کند و از سوی دیگر، گاه سبب بروز حساسیت‌هایی در سطح داخلی افغانستان شده و از این منظر، مانع از بهره‌گیری از فرصت‌های پیش روی روابط دو کشور شده است. وجود این ملاحظه، لزوم اتخاذ رویکردهای هوشمند در روابط دو کشور را بیش‌ازپیش آشکار می‌کند.

افغانستان به دلایل مختلف برای جمهوری اسلامی ایران حائز اهمیت است. همانطور که از مقدمه فوق برمی‌آید، یکی از مهم‌ترین وجوه اهمیت افغانستان برای کشورمان مسئله امنیت است. امنیت در روابط فی‌مابین دو کشور لااقل از دو جهت قابل توجه بوده است. وجه نخست، وجود ناامنی در افغانستان در بیش از چهار دهه گذشته است که موجب تحمیل هزینه‌های بسیاری به جمهوری اسلامی ایران شده است. فارغ از چيستی و میزان این آسیب‌ها، جمهوری اسلامی ایران تلاش کرده است تا امواج ناامنی برخاسته از کشاکش‌های درونی افغانستان را تا حد ممکن تخفیف داده و از سرریز مناقشات داخلی همسایه شرقی به کشور جلوگیری کند. دومین وجه امنیتی قابل توجه، مسئله پناهندگان و مهاجرین افغان در کشور است. نگارندگان هر چند با امنیتی دیدن مسئله مهاجرین افغان سَرِ همراهی ندارند، لکن نمی‌توان و نباید از آسیب‌های امنیتی ناشی از آمدوشد اتباع افغانستان و حضور آنان در کشور غافل بود. این آمدوشدها در کنار تبادلات مجازی و سایبری می‌تواند در شرایط فعلی

که مختصات ناامنی در افغانستان تغییر کرده است، موجد آسیب‌های امنیتی پیش‌بینی نشده‌ای برای کشورمان باشد.

از آنجاکه مسئله حضور داعش در افغانستان هنوز تبدیل به یک بحران نشده است، پژوهش چشمگیری در این حوزه وجود ندارد. نگارندگان در جستجوهای خود در ادبیات فارسی و انگلیسی نتوانستند به اثر جامعی که موضوع مقاله حاضر را پوشش دهد دست یابند و به‌طور عمده آنچه موجود است، تحلیل‌های مقطعی و اقتضائی پیرامون عملکرد داعش در افغانستان است که به‌صورت یادداشت‌های کوتاه رسانه‌ای ارائه شده است. البته مسئله داعش در شامات بسیار مورد توجه پژوهشگران و کارشناسان بوده اما ارتباط وثیقی با موضوع این مقاله پیدا نمی‌کند. از این رو نوشتار حاضر یکی از نخستین پژوهش‌ها در راستا تحلیل پیامدهای حضور داعش در افغانستان بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آید.

مقاله پیش‌رو بر یافتن پاسخ این پرسش تمرکز دارد که تقویت حضور داعش در افغانستان، چه پیامدهای سیاسی و امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت؟ انگاره پژوهش آن است که حضور داعش در افغانستان می‌تواند از طریق تضعیف امنیت مرزی، تحریک اهل سنت ایران، گسترش اقدامات ضدشیعی و تضعیف دولت مستقر در افغانستان و گسترش تولید، فرآوری و قاچاق مواد مخدر، امنیت و منافع جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر قرار دهد. این مقاله از نوع تبیینی بوده و با استفاده از روش دلفی^۱ که یکی از فنون مطرح در آینده‌پژوهی^۲ به شمار می‌رود، انجام شده است. همچنین از منابع کتابخانه‌ای و الکترونیکی نیز در بخش‌های مختلف استفاده شده است.

چارچوب مفهومی، الف) آینده‌پژوهی: آینده‌پژوهی دانشی فراتمدنی و فرارشته‌ای است که کشف آینده‌های محتمل و تلاش به‌منظور ساخت آینده‌های مطلوب را مطمح نظر قرار داده است. به همین دلیل، امروزه آینده‌پژوهی بسیار مورد توجه جوامع مختلف قرار گرفته است به‌نحوی که از این رشته دانشگاهی تحت عنوان علم و هنر ساخت آینده یاد می‌شود (حیدری، ۱۳۹۵: ۷۵). در میان آینده‌پژوهان، وندل بل^۳ یکی از چهره‌های شاخص است.

^۱. Delphi Method

^۲. Futures Studies

^۳. Vandel Bell

از دیدگاه وی، آینده پژوهی عبارت است مطالعه نظام‌مند، کشف، ابداع، ارائه، آزمون و ارزیابی آینده‌های ممکن، محتمل و مطلوب (Bell, 2009).

ب) روش‌شناسی تحقیق: روش دلفی به‌عنوان روشی کیفی و مطرح در حوزه آینده‌پژوهی مطرح است. این روش دارای فرآیندی نظام‌مند است که از طریق ادوار نظرسنجی، جمع‌آوری اطلاعات و در نهایت اجماع گروهی، به پیش‌بینی و تصمیم‌گیری کمک می‌کند.

روش دلفی نخستین بار در دهه ۵۰ میلادی و از سوی موسسه رند^۱ معرفی شد. این روش یک روش پیمایشی^۲ از نوع ناشناس است که برای ایجاد ارتباط گروهی در چندین دور انجام شده است. از شرکت‌کنندگان در هیئت کارشناسان خواسته می‌شود پیش‌بینی‌ها (که به آنها ادعاها، سؤالات یا فرضیه‌های دلفی گفته می‌شود) را به‌طور مکرر ارزیابی کنند. روش دلفی چهار ویژگی اصلی دارد: ناشناس بودن، تکرار، بازخورد کنترل‌شده و «پاسخ گروهی» آماری (Schmalz and Others, 2020: 2).

روش دلفی زمانی به کار می‌رود که برای رسیدن به یک نتیجه کلی در مورد یک موضوع خاصی نیازمند جمع‌آوری و ترکیب نظرات متخصصین باشیم؛ مخصوصاً زمانی که متخصصین از نظر جغرافیایی از هم فاصله داشته باشند. اسامی متخصصین عضو هیئت ناشناخته است اما مجموع نظرات آنها پس از رسیدن به اجماع یا توافق نظر منتشر می‌شود. روش دلفی دربرگیرنده یک‌سری از دورها و دلفی کلاسیک معمولاً شامل چهار دور است که به‌طور معمول به سه دور خلاصه می‌گردد (رحمانی و دیگران، ۱۳۹۹: ۵۱۶-۵۲۳).

در روش دلفی، نظرات کارشناسان در دفعات متعدد و با استفاده متوالی از پرسشنامه‌ها جمع‌آوری می‌شود. کاربرد آن نیز نشان دادن همگرایی نظرات و تشخیص اختلاف عقیده‌ها یا واگرایی آرای کارشناسان است. هر تکرار پرسشنامه، یک «دور» را تشکیل می‌دهد. درواقع، پرسشنامه وسیله‌ای برای برقراری ارتباط و اثرگذاری کارشناسان بر یکدیگر است. ایده اصلی این روش آن است که پاسخ‌دهندگان بتوانند بدون آنکه تحت تأثیر افراد مشهور، معتبر یا سخنور در جلسات قرار بگیرند، از دیدگاه‌های دیگران استفاده کنند (مبینی‌کشه و امیدی، ۱۳۹۷: ۱۲۸).

شاید بتوان پیمایش دلفی را در دو گام اصلی خلاصه کرد. گام نخست یا همان دور اول دلفی، گامی است که پرسش‌نامه‌ها برای دریافت دیدگاه‌های جمع‌زبانی از خبرگان ارسال

^۱. RAND

^۲. Survey Method

می‌شود. در گام بعد، دیدگاه‌ها پس از جمع‌آوری و طبقه‌بندی، این بار به همراه بازخوردهای اخذشده از دور اول برای کارشناسان فرستاده می‌شود تا با توجه به رقابتی که میان دیدگاه‌ها وجود دارد، نظرات قبلی خود را مورد ارزیابی مجدد قرار دهند. چنانچه فرایند به اجماع ختم نشود تا حصول به آن ادامه خواهد یافت که معمولاً تا چهار دور این مهم محقق خواهد شد (حیدری، ۱۳۹۵: ۸۴-۸۵). در این مقاله برای انتخاب خبرگان از روش‌های نمونه‌گیری گلوله برفی^۱ استفاده شده است. در این شیوه نمونه‌گیری، افراد متخصص و صاحب صلاحیت از طریق متخصصین اولیه شناسایی و وارد چرخه پژوهش می‌شوند.

۱. پیشینه حضور افراط‌گرایی و تروریسم در افغانستان

از سال ۱۹۷۹ و تهاجم نظامی ارتش سرخ اتحاد جماهیر شوروی به افغانستان تاکنون این کشور درگیر دوره‌های طولانی جنگ و درگیری بوده است. گزارش‌های مختلفی از تعداد گروه‌های تروریستی فعال در افغانستان وجود دارد (بینید: Jones, 2016 و Arian, 2017 و Ahmadzai, 2016). با این حال، طالبان به‌عنوان یک گروه بومی و متنفذ در بخش‌هایی از این کشور و داعش به‌عنوان یک گروه تروریستی غیربومی در افغانستان بیشترین تحرکات دهشت‌افکنانه را داشته‌اند.

آغاز افراط‌گرایی در افغانستان را می‌توان در سال‌های قدرت‌گیری جریان‌های چپ‌گرای وابسته به اتحاد جماهیر شوروی در افغانستان جستجو کرد. در دهه نخست پس از تهاجم، گروه‌های جهادی سنی و شیعه علیه نظامیان شوروی و حامیان داخلی آن‌ها اعم از خلقی‌ها و پرچمی‌ها^۲ سازمان‌دهی شدند (Collins, 2011: 25-31). تغذیه فکری گروه‌های سنی مذهب با آموزه‌های بنیادگرایانه‌ای تولید شده در مدارس دینی پاکستان صورت می‌گرفت. این مدارس در دوره قدرت یافتن چپ‌ها و به‌ویژه پس از تهاجم شوروی به افغانستان، با حمایت ایالات متحده، عربستان و سایر قدرت‌های غربی و بازیگران منطقه‌ای تأسیس و به حمایت از جهاد افغانستان و تولید مفاهیم حمایتی پرداختند (Iqbal and Raza, 2015: 28). از همین دوره بود که برخی جوانان مسلمان از آسیای مرکزی و جمهوری‌های مسلمان‌نشین روسیه به تدریج جذب این مدارس شده و با گذراندن آموزش‌های اعتقادی بنیادگرایانه، مهیای جهاد

^۱. Snowball Sampling

^۲. خلق و پرچم دو جناح عمده حزب دموکراتیک خلق افغانستان بوده‌اند.

در جبهه‌های جنگ در افغانستان شدند و بعدها در کشورهای متبوع خود علیه حکومت‌های مستقر دست به مبارزات مسلحانه زدند. وجود همین زمینه‌ها موجب شد تا در دوره اخیر بخش قابل توجهی از نیروی رزم داعش متشکل از مسلمانان روسیه و آسیای مرکزی باشد. پس از خروج شوروی از افغانستان و سرنگونی دولت چپ‌گرای نجیب ا...، امکان تشکیل دولت برای مجاهدین فراهم شد اما بروز اختلاف دیدگاه میان جهادگرایان پیشین، افغانستان را به ورطه هولناک جنگ داخلی کشاند (Collins, 2011:35-36). در کشاکش جنگ‌های داخلی بود که گروهی تحت عنوان «**تحریک اسلامی طلبای کرام**» پیشروی خود را از ولایت قندهار آغاز نمود و در مدتی نه‌چندان طولانی، «**امارت اسلامی افغانستان**» را تشکیل دادند (Laub, 2014). «محمد» معتقد است که برونداد آموزش‌های مدارس پاکستان (مبتنی بر تعالیم بنیادگرایانه فقه حنفی و مکتب دیوبندی)، شکل‌گیری جنبش طالبان بود (Mohammad, 2016:1). برقراری پیوندهای راهبردی میان این گروه که بعدها «طالبان» نامیده شد و «سازمان القاعده» که مسبب حملات تروریستی در نقاط مختلف دنیا و از جمله حمله به برج‌های دوقلو در سال ۲۰۰۱ بود، دستاویز دولت جنگ‌طلب بوش قرار گرفت تا با اشغال افغانستان بساط امارت طالبان را برچیند (Katzman and Thomas, 2017:5-6).

فروافتادن حکومت طالبان و تشکیل حکومت جدید به ریاست حامد کرزی، هرچند امیدهایی برای تحکیم و تقویت امنیت و ثبات در این کشور به وجود آورد، اما در عمل نتوانست شاخص‌های امنیت در افغانستان را بهبود بخشد؛ چراکه طالبان در تمام این سال‌ها همیشه نسبت قابل توجهی از خاک افغانستان را در کنترل خود داشته است. بر اساس گزارش‌های موجود، پس از پیشروی‌های اخیر طالبان که در نتیجه خروج نیروهای غربی از افغانستان رخ داد، حدود نیمی از قلمرو افغانستان تحت کنترل گروه طالبان قرار گرفته است (حسینی و اخگری، ۱۴۰۰). نتیجه این وضعیت همان‌گونه که بیان شد، عدم وجود امنیت در همسایگی کشورمان بوده به‌گونه‌ای که بر اساس «شاخص تروریسم جهانی»^۱ در سال ۲۰۲۰، افغانستان علی‌رغم بهبود در برخی شاخص‌ها از جمله میزان کشته‌شدگان در جریان منازعات، بیشترین تأثیر را از تروریسم پذیرفته است (Global Terrorism Index, 2020:4).

دومین گروه داعش است. این گروه که یکی از رادیکال‌ترین گروه‌های افراط‌گر به شمار می‌رود، توانست در دوره‌ای به سرعت بخش‌های قابل توجهی از سوریه و عراق را تحت کنترل خود

^۱. Global Terrorism Index

درآورد. پس از عراق و سوریه، جدی‌ترین تلاش‌های این گروه معطوف به فراهم ساختن جای پای در افغانستان بوده که در زمستان ۱۳۹۳ آغاز شد. در ابتدا هسته‌های وابسته به داعش از جنگجویانی تشکیل شد که پیش‌تر در گروه طالبان عضو بودند. این هسته‌ها توانستند در همان ابتدا مناطق کوچکی از شرق افغانستان را تصرف کنند (Katzman and Thomas, 2017: 20). این هسته‌ها مورد حمایت خلافت مرکزی که در عراق و سوریه بود، قرار داشتند (Gordon, 2015). پیرامون تعداد جنگجویان داعش آمار و ارقام متعددی ارائه شده است و دارای تفاوت‌های فاحش است (Katzman and Thomas, 2017:20; Johnson and Others, 2016) که اعتماد به آنها را دشوار می‌کند.

ولایت خراسان اعلامی از سوی آن گروه (نقشه شماره یک را ببینید) قسمت‌های بزرگی از ایران، شبه‌قاره، افغانستان و جمهوری‌های آسیای مرکزی را دربر می‌گرفت. ابومحمد العدنانی^۱ سخنگوی گروه داعش با اعلام تشکیل «ولایت خراسان» اعلام کرد این منطقه بخشی از «مرزهای» این گروه خواهد بود (Rafiq, 2015). در واقع این نخستین بار بود که داعش منطقه‌ای دور از محل حضور اصلی خود را به‌عنوان «ولایت تابعه» اعلام می‌کرد. از جمله شرط‌هایی که برای قبول بیعت گروه‌های دیگر با رهبر داعش وجود داشت این بود که گروه داوطلب بتواند کنترل یک منطقه را در دست داشته باشد. در پیام ویدیویی العدنانی، «حافظ سعید خان»^۲ به‌عنوان «والی خراسان» و همچنین «ملاعبدالرئوف خادم»^۳ ملقب به «ابوظلحه» به‌عنوان معاون والی خراسان معرفی شد.^۴

^۱. Abu-Mohammad al-Adnani

^۲. Hafiz Saeed Khan Orakzai

^۳. Mullah Rauf Khadim

^۴. «ملاعبدالرئوف خادم» یکی از فرماندهان سابقه‌دار طالبان در ولایت «هلمند» بود. برخی از منابع می‌گویند او به زبان عربی تسلط کامل داشت و این امر به او امکان داده بود با رهبران داعش در عراق و سوریه در تماس باشد. وی با تعدادی از فرماندهان طالبان به گروه داعش پیوسته بود. وی در ولایت هلمند برای داعش سربازگیری می‌کرد و نقش بسیار مهمی در این مورد بر عهده گرفته بود. ملأ عبدالرئوف در حمله هواپیماهای بدون سرنشین آمریکا در مخفیگاهش در استان هلمند کشته شد. پس از مرگ او، «عبدالرحیم مسلم‌دوست» اعلام کرد از طرف ابوبکر البغدادی به‌عنوان والی «ایالت خراسان» تعیین شده است. مسلم‌دوست، در استان ننگرهار به دنیا آمده است. وی پیش از پیوستنش به داعش، قاضی یکی از دادگاه‌های صحرائی طالبان پاکستان در وزیرستان شمالی و از رهبران تحریک طالبان پاکستان بود. وی ابتدا با «حافظ سعید»، جانشین ملاعبدالرئوف بیعت کرد، اما بعدها در اواسط سال ۱۳۹۴ با انتقاد از اقدامات ظالمانه و غیراسلامی وی، بیعت خود را اعاده کرد. وی همچنان خود را در بیعت رهبر داعش می‌دانست و بر اساس بعضی گزارش‌ها، فرمانده یکی از

در ابتدا دو منطقه به‌عنوان مراکز اصلی داعش مطرح بود. نخست، بخش گجکی در استان هلمند و دوم، مناطق شرقی ولایت ننگرهار. آن‌ها در فاصله بهار و تابستان سال ۲۰۱۵ محدود و تحت کنترل خود در ولایت ننگرهار را گسترش داده و سپس عملیات تروریستی خود را سازماندهی نمودند (Johnson, 2016:1).

داعش طی دوره حضور خود در افغانستان، سعی داشت تا ضمن عضوگیری از میان جنگجویان بریده از طالبان، مردم عادی و جوانان افغان را نیز جذب نماید. به‌رغم اینکه اقبال چندانی به داعش از سوی قاطبه مردم وجود نداشته است، نمی‌توان منکر عضوگیری این گروه در افغانستان شد. نکته قابل توجه دیگر آن است که فعالیت عمده جریان داعش در این مدت بر مبارزه با طالبان و وحشت‌افکنی در میان شیعیان افغانستان تمرکز یافته و این گروه در ابتدا کمتر با نیروهای امنیتی افغانستان درگیری داشت.

حضور طالبان در افغانستان، چالشی پارادوکسیکال برای داعش محسوب می‌شود. از یک‌سو، قدرت‌گیری داعش در افغانستان بر عضوگیری از این گروه وابسته است و از سوی دیگر طالبان به‌عنوان یک گروه ایدئولوژیک، مهم‌ترین مانع برای گسترش نفوذ داعش در افغانستان محسوب می‌شود. انحصارطلبی، ویژگی بارز گروه داعش است و این گروه در عراق و سوریه نشان داده حاضر به تحمل هیچ جریان موازی دیگری نیست. همین رویکرد و برخی اختلافات عقیدتی موجب بروز درگیری‌های جدی میان دو گروه شد و این انگاره را به وجود آورد که طالبان یگانه جریانی است که می‌تواند داعش در افغانستان را هزیمت کند.

ظهور داعش در مناطق آشوب‌زده افغانستان را باید تا حد زیادی معلول شکاف‌های درونی طالبان و اختلاف این گروه با دیگر سازمان‌های تروریستی منطقه دانست. شورای رهبری طالبان که در شهر «کوئته» پاکستان مستقر است از دیرباز دچار انشعاب بوده است. بروز اختلاف‌نظرها عمدتاً به پس از انتشار خبر فوت ملا عمر و انتخاب «ملاختر محمد منصور» (رهبر پیشین طالبان) مربوط می‌شود. اختلاف در تعیین جانشین ملا عمر از سویی و اقدامات منصور و سیاست‌های وی از سوی دیگر موجب بروز انشقاق‌های شدید در گروه

جریاهای موسوم به داعش در افغانستان بود. شایان ذکر است که حافظ سعید در حملات هوایی هواپیماهای بدون سرنشین آمریکا در افغانستان کشته شد. مسلم دوست و عبدالحسیب لوگری رهبران بعدی داعش بودند که آنها نیز در جریان منازعات با دولت یا طالبان به هلاکت رسیدند. با این حال این گروه بدون تسلط بر سرزمین مشخص، همچنان به اقدامات تروریستی منفرد در مناطق مختلف افغانستان مبادرت می‌کند.

طالبان شد. این اختلاف‌نظرها سبب شد برخی از فرماندهان طالبان از صفوف این گروه کنار زده شوند. داعش از این فرصت برای جذب جنگجویان و حتی فرماندهان طالبان که مایل به نبرد با نیروهای غربی بودند - به‌منظور گسترش نفوذ و حضور خود در افغانستان - استفاده کرد (Byrne and Others, 2015:5). هرچند این اختلافات با روی کار آمدن ملاحیبت ... آخذزاده و وارد شدن فرزند ملا عمر و گروه حقانی به رهبری طالبان تا اندازه‌ای پوشانده شد، با این حال همچنان وجود داشته و فعال است.

بر اساس اخبار موجود، تنها طالب‌های ناراضی داعشی نشده‌اند، بلکه برخی از سازمان‌های افراطی منطقه که در گذشته متحد طالبان بودند و خودشان را زیرمجموعه القاعده تعریف می‌کردند نیز به داعش پیوسته‌اند. «حرکت اسلامی ازبکستان»^۱ یکی از این سازمان‌هاست. این سازمان به رهبری «طاهر یولداش»^۲ متحد دیرینه طالبان بود. ملا عمر در زمان حاکمیتش، یولداش را فرمانده کل جنگجویان خارجی مستقر در افغانستان کرده بود. این گروه از دیرباز قصد داشت جنگ را به آسیای مرکزی بکشاند، اما طالبان می‌خواهند جنگ در افغانستان محدود بماند تا قلمرو بیشتری به دست بیاورند. حرکت اسلامی ازبکستان، ظاهراً از این موضع طالبان دلسرد شده و به داعش اعلام وفاداری کرده است (Byrne and Others, 2015:1). داعش علاقه‌مند است به محض آنکه توانست، دامنه درگیری‌ها را به آسیای مرکزی بکشاند و در این راستا گروه‌هایی که ریشه در آن منطقه دارند، نامزدهای خوبی برای حمایت هستند. گروه «انصارا... تاجیکستان»^۳ و «جنبش اسلامی ترکستان شرقی»^۴ که برخاسته از ایالت سین‌کیانگ چین است نیز از متحدان حرکت اسلامی ازبکستان به شمار می‌آیند. ذکر این نکته ضروری است که اتحاد و ائتلاف میان این گروه‌ها پایدار نیست و وفاداری‌ها می‌تواند به سرعت تغییر کند.

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، داعش برای گسترش حوزه نفوذ خود در افغانستان با چالش‌های جدی و متعددی روبه‌روست که پیشروی آن را حتی در مناطق پشتون نشین با چالش مواجه خواهد کرد. هرچند امید این جریان به پشتون‌های افغانستان است، اما به دلیل

^۱ Islamic Movement of Uzbekistan (IMU)

^۲ Tahir Yuldashev

^۳ Jamaat Ansarullah

^۴ The East Turkestan Islamic Movement (ETIM)

وجود تفاوت‌های ایدئولوژیک و اعتقادی میان مذهب حنفی و طریقت «دیوبندی»^۱ طالبان و گرایش سلفی وهابی داعش و نیز سایر تفاوت‌هایی که پذیرش داعش را در افغانستان دشوار می‌کند (ببینید: Masi, 2016)، احتمالاً با اقبال گسترده‌ای در میان این قوم و کشور مواجه نخواهد شد. علاوه بر این، رفتارهای غیرانسانی، وحشیانه و بی‌قاعده داعش در سوریه و عراق، وحشت عمیقی را در میان مردم افغانستان اعم از پشتون، تاجیک، ازبک و سایر اقوام پدید آورده است که آن‌هم بر کاهش جذابیت این گروه تأثیر به‌سزایی دارد.

در مقام جمع‌بندی می‌توان گفت که جنگ و بی‌ثباتی‌های پیاپی و طولانی‌مدت، علاوه بر افول امنیت، لاقلاً دو پیامد منفی دیگر به همراه داشته است؛ نخست افراط‌گرایی افسارگسیخته‌ای که به دهشت افکنی منجر شد و دیگری تبدیل افغانستان به بزرگ‌ترین تولیدکننده مواد مخدر جهان. بررسی‌های مختلفی راجع به ارتباط تولید و قاچاق مواد مخدر با تروریسم صورت گرفته (ببینید: Piazza, 2012) و نشان داده است که تولید غیرقانونی مواد مخدر با توسعه فعالیت‌های تروریستی در سطح ملی همبستگی دارد (Meierrieks and Schneider, 2016:1274). قاچاقچیان بازداشت‌شده وابسته به طالبان ادعان کرده‌اند که سود حاصل از تولید و قاچاق مواد مخدر بخش قابل‌توجهی از هزینه‌های آنها از قبیل حقوق جنگجویان، خرید مواد غذایی، اسلحه و مواد انفجاری را پوشش می‌دهد (Peters, 2009:23). همچنین بر اساس گزارش دفتر جرائم و مواد مخدر ملل متحد^۲، بیش از ۸۹ درصد مواد مخدر افغانستان در نُه ولایت افغانستان و به‌طور عمده در مناطق جنوبی و غربی^۳ این کشور کشت می‌شود (UNODC, 2014:6). این مناطق دقیقاً مناطقی است که تحت نفوذ و کنترل طالبان قرار داشته و برای داعش و سایر گروه‌ها نیز جذابیت دارد.

بنا بر آنچه ذکر شد، تردیدی نیست که بخش قابل‌توجهی از چرخه شورش و تروریسم در افغانستان از طریق تولید، فرآوری و قاچاق مواد مخدر یا اخذ مالیات، حق عبور یا عشرت تأمین می‌شود (Shahmohammadi, 2016:37). گردش مالی حاصل از این فرآیند چیزی حدود هشتصد و پنجاه میلیون دلار تخمین زده شده است (UNODC, 2014:7).

^۱. Deobandi

^۲. United Nations Office on Drugs and Crimes (UNODC)

^۳. بیشترین تولید به ترتیب در هلمند، قندهار، فراه و ننگرهار صورت گرفته است.

عوامل سه‌گانه فوق (نامنی، افراط‌گرایی و تولید و قاچاق مواد مخدر) و عوامل فرعی دیگر سبب شده تا افغانستان در بیش از یک دهه گذشته بر اساس ارزیابی‌های مختلف از دولت‌های فرومانده^۱ در رتبه بالایی (رتبه نهمین کشور با میزان تهدید بالا) قرار داشته باشد (Messner and Haken, 2016:4). عدم وجود دولت قوی و قادر به اعمال حاکمیت در سرتاسر افغانستان از سویی و وجود ضعف در فرایند دولت - ملت‌سازی و چندپارگی قومی و مذهبی در این کشور از سوی دیگر، فضایی فراهم ساخته تا «سرزمین‌های بلاصاحب^۲» در مناطق مختلف آن، خارج از احاطه و صلاحیت دولت مرکزی وجود داشته باشد. همین امر موجب شکل‌گیری، گسترش و تقویت فعالیت‌های خارج از قاعده و دهشت‌افکنانه در افغانستان شده و این کشور را به مکانی امن برای تروریست‌ها تبدیل نموده است.

بدیهی است که عوامل مادی و ملموس افراط‌گرایی در بستری از عوامل روانی، اعتقادی و فکری عمل می‌کنند. از این منظر است که آموزه‌های ایدئولوژیک افراط‌گرایانه، باورهای مذهبی تکفیری و عوامل هویت‌ساز قومی نباید در مقام تحلیل وضعیت امنیت در افغانستان مورد غفلت واقع شوند.

۲. اهداف داعش در افغانستان

افغانستان برای گروه‌های تروریستی از جمله داعش جذابیت‌هایی دارد. این جذابیت‌ها بستری برای جستجوی برخی اهداف شده‌اند. نخستین هدف بهره‌گیری از موقعیت ژئوپلیتیک افغانستان است. افغانستان از جایگاه ژئوپلیتیک بسیار مهمی برای تحقق اهداف گروه تروریستی داعش برخوردار است. این کشور از یک سو با چین هم‌مرز است. پاکستان، دیگر همسایه مهم افغانستان است. هم‌مرز بودن افغانستان با پاکستان برای گروه داعش بسیار مهم است. از آنجا که نیروهای بنیادگرای تربیت شده در مدارس پاکستان با سختی‌های زیادی در آن کشور مواجه هستند، زمینه مساعدی برای سربازگیری داعش فراهم خواهد بود. همچنین داعش در جنگ و گریزهای احتمالی با طالبان یا دولت مرکزی افغانستان تا حد زیادی می‌تواند از کمک لجستیکی و نیز عقبه استراتژیک سرزمینی در مناطق قبایلی پاکستان برخوردار باشد. دیگر همسایه مهم افغانستان، ایران است. یکی از

^۱. Failed States

^۲. Ungoverned Territories

اهداف داعش از حضور در افغانستان، تحت فشار قرار دادن جمهوری اسلامی ایران و ناامن سازی مرزهای شرقی آن است. ایران به عنوان کشوری با اکثریت ساکنان شیعه مذهب و جمهوری اسلامی به عنوان یک نظام سیاسی که در اتحاد با نظام حاکم در سوریه و عراق و در تعارض با گروه های تروریستی از جمله داعش عمل کرده است؛ در واقع، مهم ترین «دگر» داعش محسوب می شود. از این رو، گسترش حضور یا تثبیت موقعیت داعش در افغانستان می تواند ضریب تهدیدات تروریستی را علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران افزایش داده و کشورمان را در مرزهای شرقی با این گروه تروریستی درگیر کند. ازبکستان و تاجیکستان از دیگر همسایه های افغانستان هستند. یکی از مهم ترین اهداف داعش برای تقویت حضورش در افغانستان، گسترش دامنه عمل گروه های تروریستی به جمهوری های آسیای مرکزی است. نیروهای سلفی که از جمهوری آسیای مرکزی یا از روسیه به داعش پیوسته اند از مهم ترین نیروهای داعش محسوب می شوند و نقش بسیار پر رنگی در موفقیت های نظامی این گروه در سوریه و عراق داشته اند. گفته می شود یکی از اصلی ترین مطالبات این نیروها از رهبران داعش، گسترش دامنه عملیات نظامی به کشورهای آسیای مرکزی و جمهوری های مسلمان نشین روسیه است. در شرایطی که روسیه، نقش پررنگی در حمایت از حکومت های سوریه و عراق و اعطای کمک های نظامی و مستشاری به آنها برای جنگ با داعش داشته، این رویکرد داعش می تواند روسیه را در منطقه آسیای میانه و حتی داخل کشور خود با مشکلات امنیتی جدی مواجه نماید. اعظمی در پژوهش خود تأکید کرده است که یکی از گمانه زنی ها پیرامون هدف ایالات متحده از حمایت از داعش و گسترش رادیکالیسم اسلامی در منطقه، تضعیف ایران، چین و روسیه است (Azamy, 2016:47).

دومین هدف عمده داعش، بهره گیری از مواهب اقتصادی در افغانستان است. در کنار اهداف سیاسی - امنیتی، این گروه اهداف اقتصادی مهمی را از حضور در افغانستان تعقیب می کند. رهبران داعش تلقی روشنی از گردش مالی بالای قاچاق مواد مخدر در افغانستان دارند. تثبیت موقعیت این گروه در افغانستان و تسلط بر چرخه قاچاق مواد مخدر می تواند منبع مطمئنی از ثروت را برای این گروه فراهم کند. علاوه بر این سنگ های قیمتی، مس، زغال سنگ و اشیاء باستانی و تاریخی فراوان در کنار پدیده قاچاق انسان و اعضاء بدن، اقلام و اقداماتی هستند که می توانند منابع مالی خوبی برای داعش فراهم نمایند.

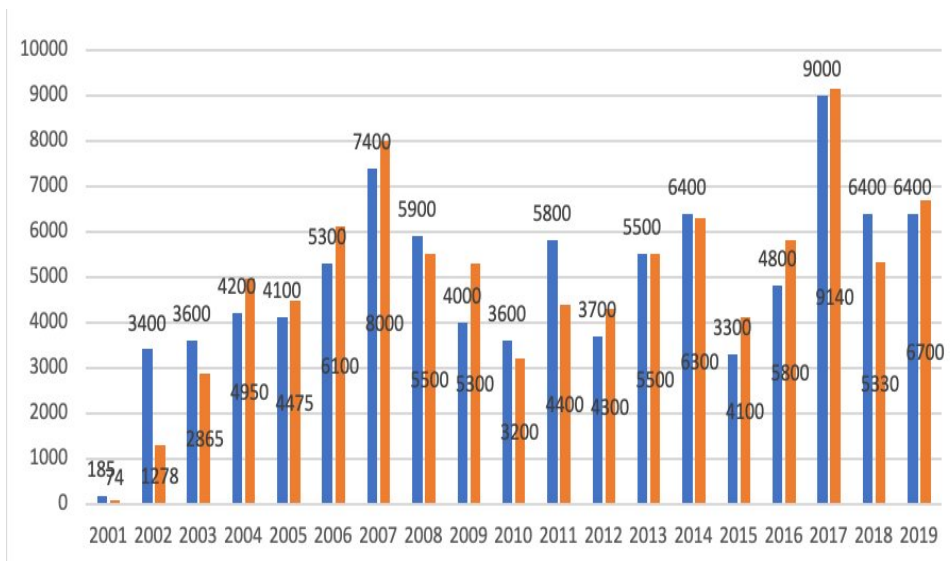
سومین هدف داعش در افغانستان، حرکت بر مرز گسل‌های قومی و مذهبی است. شکاف‌های قومی - مذهبی در افغانستان و پاکستان زمینه مناسبی برای گسترش نفوذ داعش در این کشورها فراهم می‌کند. از جمله مهم‌ترین اهداف داعش در افغانستان، تشدید شکاف‌های قومی - مذهبی در این کشور است. جامعه متکثر و کم‌تحمّل افغانستان استعداد بالایی برای فعال شدن اختلاف‌های قومی مذهبی دارد. از این‌روست که اعظمی معتقد است شیعیان هدف مطلوب برای داعش در افغانستان محسوب می‌شوند چراکه هم بر اساس تعالیم تکفیری، شیعیان مهدورالدم هستند و هم در سوریه در مقابل خلافت می‌جنگند (Azamy, 2016: 48).

۳. پیامدهای حضور داعش در افغانستان بر امنیت ملی ایران

افغانستان آن‌گونه که تشریح شد، بیش از چهار دهه است که درگیر فراز و فرودهای سیاسی و امنیتی است؛ تحولاتی که در برهه‌هایی جهان را تحت تأثیر قرار داده است. مراد از این تأثیر جهانی وقوع حادثه تروریستی یازده سپتامبر ۲۰۰۱ است که منشأ آن نیروهای عرب-افغان عضو القاعده بودند. پس از آن بود که آمریکای بوش سیاست‌های خشمگینانه‌ای علیه افغانستان اتخاذ کرد که به اشغال این کشور انجامید.

اکنون و در آستانه عقب‌نشینی نظامی آمریکا و متحدان آن در ناتو از افغانستان، شاهد به سطح آمدن ناکارآمدی‌های گوناگون نظام سیاسی در آن کشور هستیم. مردم افغانستان طی دو دهه گذشته دستاوردهای مهمی داشته‌اند؛ با این حال در امر مبارزه با چالش‌های اصیل و بلند دامنه‌ای که جامعه افغانستان با آن مواجه بوده، تقریباً هیچ پیشرفت قابل توجهی صورت نگرفته است. امروز هرچند حکومت مرکزی در افغانستان برقرار است، اما توانایی حفظ و اعمال حاکمیت بر بخش اعظمی از قلمرو خود را ندارد و هر روزه گزارش‌های متعددی از حمله به مراکز دولتی، فتح یک یا چند شهرستان توسط نیروهای معارض دولت و آدم‌ربایی یا ترور منتشر می‌شود. همچنین تولید مواد مخدر بر اساس خوش‌بینانه‌ترین گزارش‌ها نسبت به سال ۲۰۰۱ نزدیک به ۳۵ برابر شده است (نگاه کنید به) (Bjelica, 2020) و دولت توانایی مقابله با آن را ندارد.

شکل شماره (۲): تولید مواد مخدر در افغانستان طی سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۹
بر اساس ارزیابی‌های آمریکا و دفتر جرم مواد مخدر سازمان ملل



Source: (Bjelica, 2020)

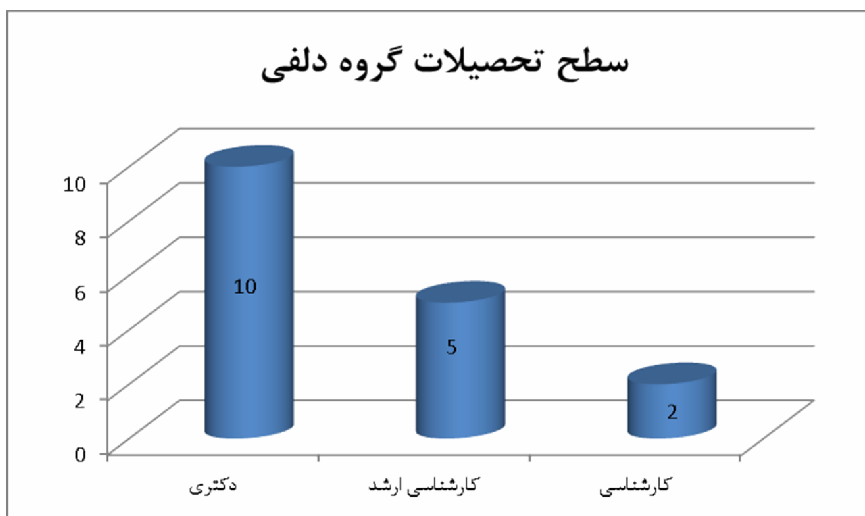
ستون سمت راست در هر سال مربوط به ارزیابی آمریکا و ستون سمت چپ مربوط به ارزیابی دفتر جرم و مواد مخدر سازمان ملل است.

شرایط پیش گفته به خوبی گویای وضعیت دشوار امنیتی افغانستان است. همین دشواری‌ها سبب شده که افغانستان به بستری ارزشمند برای گروه‌های معارض و افراط‌گرا از جمله داعش تبدیل شود.

در راستا فهم پیامدهای امنیتی حضور داعش در افغانستان بر امنیت ملی ایران، پس از بررسی اطلاعات موجود و مشورت با صاحب نظران، پرسش‌نامه‌ای تدوین گردید. این پرسش‌ها بر اساس اصول روش دلفی به جمعی از نخبگان و صاحب‌نظران مطالعات افغانستان در ایران ارائه شد. بر اساس روش مذکور پاسخ‌های ارائه شده می‌بایست در حداقل دو دور پرسشگری به اجماع نخبگان برسد. از آنجاکه پرسش‌های ارائه شده در دو دور به اجماع نرسید، دور سوم و چهارم دلفی نیز انجام شد که طی آن میزان قابل قبولی از پرسش‌ها به سطح تعریف شده اجماع رسیدند. شایان ذکر است که پژوهشگر بر اساس تجربیات قبلی، سطح هفتادوپنج درصد را به عنوان اجماع نخبگان تعریف نموده است.

بر اساس شکل شماره ۳، اعضای هیئت کارشناسان شامل ۱۷ نفر از برجسته‌ترین صاحب‌نظران مسائل افغانستان در ایران بودند. در این میان ۱۰ نفر دارای مدرک دکتری، ۵ نفر فوق‌لیسانس و ۲ نفر لیسانس بوده‌اند.

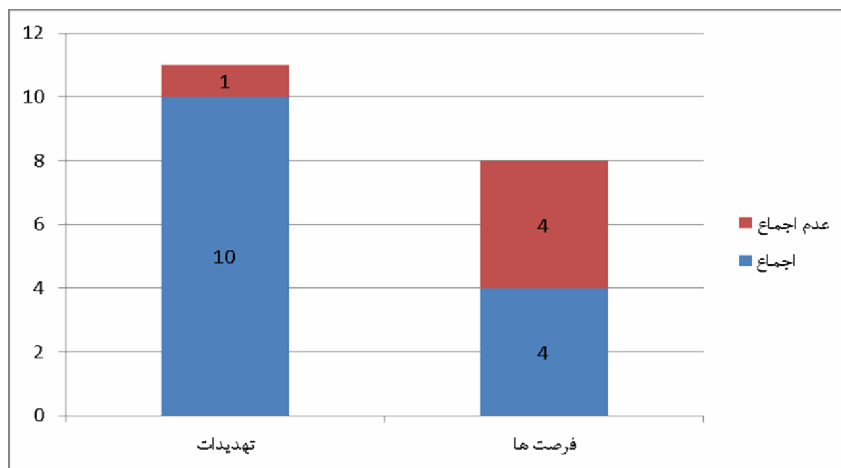
شکل شماره (۳): نمودار سطح تحصیلات پرسش‌شوندگان



منبع: نگارندگان

شکل شماره ۴ همچنین نشان‌دهنده آن است که از مجموع نوزده سؤال مطرح‌شده با هیئت کارشناسان در چهارده سؤال اجماع مورد نظر حاصل و در پنج سؤال اجماعی به وجود نیامد.

شکل شماره (۴): نمودار میزان اجماع و عدم اجماع در فرصت‌ها و تهدیدات



منبع: نگارندگان

بر اساس پرسش‌های مطرح‌شده و پاسخ‌های دریافتی از اعضای گروه دلفی، نکات ذیل به‌عنوان یافته‌های پژوهش قابل طرح است:

نخست، داعش در افغانستان در حال فعالیت محدود است. با این وصف، می‌توان انتظار داشت که داعش در آینده و با تشدید فعالیت‌های دهشت‌افکنانه خود، تخریب، ناامنی و بی‌ثباتی بیشتری در افغانستان بر جای بگذارد. گسترش بیش‌ازحد فعالیت‌های تروریستی در افغانستان، امکان اسقاط نظام سیاسی شکننده و به‌طریق‌اولی از هم پاشیدن شیرازه امور در این کشور یا از تأثیر انداختن حکومت مرکزی آن را خواهد داشت.

دوم، افغانستان «یکی» از مقاصد احتمالی و البته مناسب‌ترین بستر برای انتقال فعالیت‌های داعش است و چنین نخواهد بود که لزوماً داعش کاملاً در افغانستان متمرکز شود. افغانستان بسترهای لازم جهت گسترش افراط‌گرایی را دارد، اما این بستر کمتر مناسب رشد داعش است، چراکه داعش ایدئولوژی متفاوتی از طالبان و حتی مردم افغانستان دارد. بنابراین نمی‌توان این فرض را پذیرفت که افغانستانی که القاعده و طالبان را پذیرفته، داعش را نیز با آغوش باز خواهد پذیرفت.

سوم، احتمال کمی وجود دارد که داعش بتواند جایگزین طالبان شود. این اجماع در عدم توانایی جایگزینی داعش و طالبان به طور عمده به تفاوت ماهوی میان ایدئولوژی داعش

و طالبان و نیز ملاحظات قومی که منجر به پذیرش طالبان در افغانستان شده و داعش فاقد آن است، ارتباط می‌یابد.

چهارم در اطراف مرزهای همسایگان افغانستان، حلقه‌های ضعیفی وجود دارند که در صورت فراهم شدن شرایط ممکن است به‌سوی همکاری با داعش حرکت کنند. در این صورت هم سربازگیری برای داعش تسهیل می‌شود و هم عمق استراتژیک برای این گروه شکل می‌گیرد که در مواقع فشار بتوانند به‌طور موقت در یکی از کشورهای همسایه افغانستان ادامه حیات دهند.

پنجم، هدف اصلی داعش از حضور در افغانستان، رسیدن به مرزهای ایران و آسیای مرکزی است. کشورهای آسیای مرکزی مسلمان‌نشین بوده و جریان‌های اسلام‌گرای افراطی مانند جنبش اسلامی ازبکستان و حزب اسلامی ترکستان، حزب‌التحریر و سایر گروه‌های افراط‌گرا زمینه مناسبی جهت پیوستن به جنگجویان داعش دارند. رسیدن داعش به کشورهای آسیای مرکزی و تقویت جبهه‌های خود در این کشورها به معنی ناامن شدن تنها حوزه نفوذ و منافع روسیه به شمار می‌رود که از دوران اتحاد جماهیر شوروی باقی مانده است. این وضعیت دقیقاً در مورد ایران هم مطرح است با این تفاوت که افغانستان با منطقه حوزه نفوذ روسیه هم‌مرز است و حائلی میان آن کشور و فدراسیون روسیه وجود دارد، اما همسایگی داعش با جمهوری اسلامی ایران بلافصل بوده و آسیب‌پذیری کشور را به نحو چشمگیری ارتقاء می‌دهد. تمامی صاحب‌نظران با پذیرش این گزاره که «در صورت حضور و فعالیت داعش در افغانستان، ایران و روسیه اهداف اصلی داعش خواهند بود»، جمهوری اسلامی ایران و روسیه را به‌عنوان اهداف اصلی داعش در منطقه عنوان کردند.

ششم در صورت جدی شدن حضور داعش در افغانستان، ایالات‌متحده فعالیت نظامی خود در این کشور را تقویت خواهد کرد و می‌توان انتظار داشت که بر شمار نیروهای غربی و حتی غیر غربی در افغانستان افزوده خواهد شد.

هفتم، انتظار می‌رود که گسترش حضور و نفوذ نیروهای خارجی و غربی در افغانستان منجر به گسترش فعالیت سرویس‌های امنیتی خارجی در افغانستان شده که بخش قابل توجهی از آن علیه جمهوری اسلامی ایران سازمان‌دهی خواهد شد. همچنین با توجه به ضعف جدی دولت افغانستان در تأمین منابع مالی خود، شاهد وابستگی بیشتر این کشور به کمک‌های مالی خارجی خواهیم بود. بدیهی است که ارائه کمک‌های مالی و سیاسی منوط به

برآورده شدن مطالبات ارائه‌دهندگان خواهد بود. این مسئله موجب افزایش نفوذپذیری دولت افغانستان در قبال خواست‌ها و مطالبات کشورهای کمک‌کننده که عمدتاً رقبای دشمنان جمهوری اسلامی ایران هستند، خواهد شد.

هشتم، حضور داعش در افغانستان و گسترش ناامنی در این کشور، فضای مساعدی برای توسعه نفوذ و فعالیت عربستان به صورت مستقیم و یا به واسطه نیروهای وابسته به خود فراهم خواهد کرد. عربستان در سال‌های اخیر و به‌ویژه بعد از بالاگرفتن اعتراضات در یمن به‌طور جدی به دنبال ناکامی خود در یمن و وارد کردن ضربه به جمهوری اسلامی ایران بوده است. بهترین عرصه برای تحقق این هدف، گسترش نفوذ در افغانستان و ناامن کردن این کشور برای جمهوری اسلامی ایران اعلام شده است چراکه یمن به‌عنوان حوزه نفوذ عربستان به شمار می‌رفت و این دقیقاً مانند وضعیتی است که افغانستان برای جمهوری اسلامی ایران دارد. بنابراین، حضور داعش در افغانستان و ناامن شدن این کشور، فضای مناسبی برای تشدید این روند در اختیار عربستان سعودی قرار خواهد داد. همچنین با توجه به روابط عمیق عربستان سعودی و پاکستان، امکان وجود تحریک‌های ناامن‌کننده در مناطق مرزی ایران و پاکستان و نیز رخداد چالش‌هایی در روابط دو کشور همسایه بسیار محتمل است.

نهم، حضور داعش می‌تواند از طریق تقویت شکاف‌های قومی و مذهبی و نیز منازعات موجود در مناطق شرقی کشور، تحریک برخی گروه‌های قومی و مذهبی ناراضی برای اقدام ضدامنیتی یا پیوستن به نیروهای افراط‌گرا در آن‌سوی مرزها، افزایش نفوذپذیری مرزهای مشترک ایران و افغانستان و تسهیل انتقال تروریست‌ها و تجهیزات موردنیاز آنان از مرزهای شرقی به ایران موجب افزایش هزینه‌های نظامی و آسیب‌پذیری امنیتی در شرق کشور شده و مجموعاً امنیت کشور را به شکل چشمگیری کاهش دهد. در این باره می‌بایست به حلقه‌های ضعیفی از اهل سنت مناطق شرقی کشور به‌ویژه در استان سیستان و بلوچستان که میل به رفتارهای افراط‌گرایانه دارند، توجه بیشتری مبذول داشت.

دهم، داعش، تشیع و جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان دشمن و مخالف موجودیت خود می‌داند. مبارزه جدی ایران با این گروه و حمایت از دولت قانونی سوریه به‌منظور حفظ محور مقاومت ضدصهیونیستی در منطقه، امروز بیش از هر زمان دیگر آشکار است. در صورت حضور جدی تر داعش در افغانستان، بی‌تردید یکی از سیاست‌های این گروه انجام اقدامات تروریستی علیه گروه‌های سیاسی و مذهبی نزدیک به ایران به‌ویژه شیعیان افغانستان خواهد

بود. شیعیان افغانستان از سویی به دلیل تعلق به مذهب تشیع و از سوی دیگر به عنوان نزدیک‌ترین گروه مذهبی در افغانستان به جمهوری اسلامی ایران به احتمال زیاد نخستین هدف داعش در این کشور خواهند بود. افزایش فشار به این جریان‌ها موجب افزایش هزینه‌ها و آسیب‌ها علیه منافع و امنیت جمهوری اسلامی ایران خواهد شد.

یازدهم در اثر تهاجم داعش به افغانستان بی‌تردید روند توسعه اقتصادی که طی سال‌های گذشته در این کشور شکل گرفته و پروژه‌های مهمی از جمله پروژه انتقال گاز تاپی، پروژه انتقال انرژی الکتریسیته موسوم به کاسا ۱۰۰۰ و سایر اقدامات توسعه‌ای با مشکل جدی مواجه خواهند شد. بدیهی است در چنین شرایطی سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی این طرح‌ها ریسک سرمایه‌گذاری را نخواهند پذیرفت و این امر ضمن متوقف ساختن پروژه‌های مذکور، نرخ رشد اقتصادی و اشتغال را در افغانستان به شدت متأثر خواهد ساخت. طبیعی است که فقر اقتصادی و بیکاری، مناسب‌ترین زمینه برای سربازگیری گروه‌های افراط‌گراست. در چنین فضایی سربازگیری گروه‌های افراط‌گرا از جمله داعش در افغانستان تسهیل شده و دامنه بی‌ثباتی و ناامنی به سرعت گسترش خواهد یافت. همچنین می‌تواند موجب افزایش نرخ ورود غیرقانونی کارجویان افغان به جمهوری اسلامی ایران شود.

دوازدهم به نظر می‌رسد با افزایش دامنه نفوذ داعش در افغانستان، این گروه تلاش خواهد کرد تا اراضی بیشتری را تحت کشت خشخاش قرار داده و یا به فرآوری مواد مخدر و قاچاق آن بپردازد تا بتواند از این رهگذر بخشی از منابع مالی موردنیاز جهت اقدامات تروریستی خود را فراهم نماید. این امر می‌تواند تهدید مهمی علیه جمهوری اسلامی ایران تلقی شود، چراکه افزایش عرضه مواد مخدر قیمت آن را کاهش خواهد داد و استفاده آن را تسهیل خواهد نمود. علاوه بر این هزینه‌های مادی و انسانی کشور در راستا مبارزه با قاچاق مخدر را به نحو چشمگیری افزایش خواهد داد. همچنین به نظر می‌رسد در صورت حضور و قدرت‌گیری داعش در افغانستان، حل‌وفصل برخی موارد در روابط دو کشور از جمله مناسبات آبی فی‌مابین با مشکلات جدیدی مواجه شود. بدیهی است که عدم حل‌وفصل این موارد علاوه بر تأثیرات زیست‌محیطی، آثار اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در مناطق شرقی کشور خواهد داشت.

سیزدهم این گزاره که «ایران با توجه به شناخت خوبی که از افغانستان دارد، می‌تواند به نیروی برتر در مقابله و مبارزه با تروریسم داعش در این کشور تبدیل‌شده و نقش منطقه‌ای

و اثرگذاری ژئوپلیتیکی خود را تقویت نماید»، مورد اجماع واقع نشد. برخی صاحب‌نظران در ذکر چرایی مخالفت با این گزاره معتقد بودند که در شرایطی کنونی سیاسی و اجتماعی افغانستان و نیز با توجه به سیاست‌های غرب در افغانستان، حضور سخت و نظامی جمهوری اسلامی ایران در این کشور نه میسر است و نه مطلوب. به عبارت دیگر، افغانستان حوزه نفوذ فرهنگی ایران است و حضور نظامی یا سخت در این کشور هم‌راستا با منافع ملی کشورمان نیست. از این منظر حضور ایران در افغانستان مشابه حضور فعال در بحران سوریه یا عراق نمی‌تواند کارکردی که این حضور در شامات داشته است را به دنبال داشته باشد.

چهاردهم، ژئوپلیتیک افغانستان، جغرافیای طبیعی آن و وجود دولت - ملت ضعیف و شکننده، فضای مساعدی برای اقامت طولانی‌مدت گروه‌های افراط‌گرا فراهم می‌کند. مناطق کوهستانی و صعب‌العبوری که دولت مرکزی هیچ حاکمیتی بر آن ندارد، می‌تواند برای گروه‌های افراط‌گرا فرصت مغتنمی باشد تا از فشار عملیات ضدتروریستی در امان بمانند. علاوه بر این، افغانستان برای همه نیروهای جهادی افراط‌گرا سرزمین آشنایی است. از افراط‌گرایان آسیای مرکزی تا سلفی‌ها عرب، غالباً تجربه نبرد در افغانستان را دارند؛ از این‌رو، افغانستان را به خوبی می‌شناسند و در صورت آشفته شدن اوضاع، هجرت به این جغرافیا یکی از برنامه‌های احتمالی آن‌ها خواهد بود. در چنین فضایی باید منتظر حضور سایر جریان‌های افراط‌گرای خارجی (جریان‌های افراط‌گرای ازبکستان، پاکستان، چین و...) در افغانستان و پیچیده شدن شرایط بود. این وضعیت، حل‌وفصل یا مدیریت بحران را به‌غایت سخت و دشوار خواهد کرد. طبیعی است که پیچیده شدن ابعاد بحران در همسایگی کشورمان و استمرار آن در بستر زمان، یک تهدید جدی با تبعات همه‌جانبه خواهد بود.

نتیجه‌گیری

گمانه‌زنی‌های مختلفی راجع به مقصد بعدی داعش صورت گرفته است اما همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد، افغانستان بیشترین شانس برای تجدید قوای نیروهای داعش و گسترش هسته‌های شکل‌گرفته را داراست. بر این اساس پیش‌بینی می‌شود که داعش در آینده و با وارد شدن به فاز فعالیت‌های دهشت‌افکنانه خود، تخریب، ناامنی و بی‌ثباتی بیشتری در افغانستان بر جای بگذارد. گسترش بیش‌ازحد فعالیت‌های تروریستی در افغانستان، امکان اسقاط نظام سیاسی شکننده و به‌طریق‌اولی از هم پاشیدن شیرازه امور در این کشور یا از

تأثیر انداختن حکومت مرکزی آن را خواهد داشت. همان‌طور که گفته شد، داعش یکی از نامزدهای «هجرت» بوده و «یکی» از مقاصد احتمالی و البته مناسب‌ترین بستر برای انتقال فعالیت‌های داعش است. بنابراین چنین نخواهد بود که لزوماً داعش کاملاً در افغانستان متمرکز شود. افغانستان بسترهای لازم جهت گسترش افراط‌گرایی را دارد، اما این بستر کمتر مناسب رشد داعش است. از این‌رو پیش‌بینی می‌شود، افغانستان صرفاً در کوتاه‌مدت و میان‌مدت برای داعش مورد استفاده قرار گیرد و به‌طور عمده به‌عنوان گذرگاهی برای رسیدن به ایران و کشورهای آسیای مرکزی - به‌عنوان حیاط‌خلوت روسیه - مطرح باشد.

صاحب‌نظران شرکت‌کننده در دلفی، جمهوری اسلامی ایران و روسیه را به‌عنوان اهداف اصلی داعش در منطقه ذکر کرده‌اند که با توجه به هم‌جواری افغانستان و ایران، تهدیدها و ناامنی‌ها علیه ایران جدی‌تر خواهد بود. حضور پنج‌ساله هسته‌هایی تحت عنوان داعش نشان داده است که این گروه زمینه‌چندانی برای عضوگیری گسترده از میان افغان‌ها ندارد. بنابراین به نظر می‌رسد که احتمال کمی برای اینکه داعش بتواند جایگزین طالبان شود، وجود داشته باشد و طالبان همچنان به‌عنوان بازیگر اصلی در افغانستان باقی خواهد ماند.

حضور داعش در افغانستان و ناامن شدن این کشور تبعات گوناگونی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت. فراهم ساختن زمینه توسعه نفوذ عربستان سعودی در همسایگی ایران، تقویت شکاف‌های قومی و مذهبی در مناطق شرقی کشور، تهدید منافع و امنیت گروه‌های قومی و مذهبی نزدیک به ایران در افغانستان، توسعه فقر و بیکاری و سرریز تبعات آن در اقتصاد و امنیت ایران و افغانستان، تضعیف جایگاه و قدرت دولت مرکزی برای تمشیت امور، افزایش تولید، فرآوری و قاچاق مواد مخدر و تهدید امنیت انسانی و سرزمینی ایران بخشی از مهم‌ترین آسیب‌هایی است که منافع و امنیت جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

ژئوپلیتیک افغانستان، جغرافیای طبیعی آن و وجود دولت ملت ضعیف و شکننده، فضای مساعدی برای اقامت طولانی‌مدت گروه‌های افراط‌گرا فراهم می‌کند. پیچیده شدن اوضاع امنیتی افغانستان از طریق قدرت گرفتن داعش در تمام یا بخشی از آن کشور می‌تواند نقطه عزیمت هجرت جهادگرایان از اقصی نقاط دنیا به این جغرافیا باشد. در چنین فضایی نمی‌توان امید به حل‌وفصل یا حتی مدیریت بحران در افغانستان داشت. تردیدی نیست که دشوار شدن ابعاد بحران در همسایگی کشورمان و استمرار آن در بستر زمان حامل

مجموعه‌ای غیرقابل‌پیش‌بینی از پیامدهای سیاسی و امنیتی برای کشورمان خواهد بود که ممانعت از وقوع این وضعیت آسان‌تر از مواجهه با آن به نظر می‌رسد.

نکته شایان توجه آنکه حضور سخت و نظامی جمهوری اسلامی ایران در افغانستان نه میسر است و نه مطلوب. به عبارت دیگر، افغانستان حوزه نفوذ فرهنگی جمهوری اسلامی ایران است و حضور نظامی یا سخت در آن کشور کمکی به منافع و امنیت درازمدت ایران نخواهد کرد. از این منظر، حضور ایران در افغانستان مشابه حضور فعال در بحران سوریه یا عراق نمی‌تواند کارکردهای امنیتی پایداری داشته باشد.

منابع و مأخذ

- حسینی جاوید و سمانه اخگری (۱۴۰۰)، «نقشه مناطق تصرف شده توسط طالبان»، موسسه مطالعات راهبردی شرق، قابل دسترسی در <http://www.iess.ir/fa/event/2687>، تاریخ دسترسی ۹۹/۱۱/۱۴.
- حیدری، امیر هوشنگ (۱۳۹۵)، «آینده پژوهی و روش دلفی»، فصلنامه ترویج علم، سال هفتم، شماره دهم، ۷۵-۹۳.
- رحمانی، عبدالله، رضا وزیری نژاد، حسن احمدی نیا و محسن رضاییان (۱۳۹۹)، «مبانی روش شناختی و کاربردهای روش دلفی: یک مرور روایی»، فصلنامه دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، دوره ۱۹، ۵۱۵-۵۳۸.
- مبینی کشته، زهرا و علی امیدی (۱۳۹۷)، «آینده پژوهی تروریسم و امنیت نظام بین الملل»، فصلنامه پژوهش های حفاظتی - امنیتی دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام)، سال هفتم، شماره ۲۶، ۱۱۹-۱۴۴.
- Ahmadzai, Mohammad Asif (2016), "30 Terrorist Groups Operating in Afghanistan: Ghani", *Pajhwok News*, Available at: <https://www.pajhwok.com/en/2016/11/03/30-terrorist-groups-operating-afghanistan-ghani>, Accessed on: 14 November 2020.
- Arian, Abdulwali (2017), "20 Terrorist Groups Fighting Against Afghan Government", *Tolo News*, Available at: <http://www.tolonews.com/afghanistan/20-terrorist-groups-fighting-against-afghan-government>, Accessed on: 21 November 2020.
- Azamy, Hekmatullah (2016), Challenges and Prospects for Daesh in Afghanistan and its Relations with the Taliban, in *Countering Daesh Extremism: European and Asian Responses*, Singapore: Rajaratnam School of International Studies, pp. 43-60.
- Bell, Wendell (2009), *Foundation of Futures Studies: History, Purposes, and Knowledge*, Fifth Printing, New Jersey: Transaction Publishers.
- Bjelica, Jelena (2020), "New World Drug Report: Opium Production in Afghanistan Remained the Same in 2019", *Afghanistan Analysts Network*, Available at: <https://www.afghanistan-analysts.org/en/reports/economy-development-environment/new-world-drug-report-opium-production-in-afghanistan-remained-the-same-in-2019/>, Accessed on: 10 November 2020.
- Byrne, Hannah, John Krzyzaniak and Qasim Khan (2015), The Death of Mullah Omar and the Rise of ISIS in Afghanistan, *Institute for the Study of War*, Available at: <https://www.files.ethz.ch/isn/193215/Mullah%20Omar%20Backgrounder.pdf>, Accessed on: 20 November 2020.

- Collins, Joseph J. (2011), *Understanding War in Afghanistan*, Washington D.C.: National Defence University Press.
- Global Terrorism Index (2016), *Institute for Economics and Peace*, Available at: <https://www.visionofhumanity.org/wp-content/uploads/2020/11/GTI-2020-web-1.pdf>, Accessed on 21 November 2020.
- Gordon, Michael (2015), "Islamic State Building 'Nests' in Afghanistan, U.S. Says.", *New York Times*, Available at <https://www.nytimes.com/2015/12/19/world/asia/afghanistan-ash-carter.html>, Accessed on 21 November 2020.
- Messner J.J. and Nate Haken (2016), "Fragile States Index 2016", *the Fund for Peace*, Washington DC.
- Jones, Susan (2016), "U.S. Commander: 12 Terrorist or 'Extremist' Groups Now Operating in Afghanistan", *CNS News*, Available at: <https://www.cnsnews.com/news/article/susan-jones/us-commander-12-terrorist-or-extremist-groups-now-operating-afghanistan>, Accessed on: 15 November 2020.
- Iqbal, Abdul Rauf and Sobia Raza (2015), Madrasa Reforms in Pakistan: A Historical Analysis, *ISSRA Papers*, 1st half, 27-50.
- Johnson, Casey Garret (2016), The Rise and Stall of the Islamic State in Afghanistan, *United States Institute of Peace*, Available at: <https://www.usip.org/sites/default/files/SR395-The-Rise-and-Stall-of-the-Islamic-State-in-Afghanistan.pdf>, Accessed on: 25 November 2020.
- Johnson, Casey Garret, Masood Karokhail and Rahmatullah Amiri (2016), "The Islamic State in Afghanistan: Assessing the Threat", *United States Institute of Peace*, Available at <https://www.usip.org/publications/2016/04/islamic-state-afghanistan-assessing-threat>, Accessed on 21 November 2020.
- Katzman, Kenneth and Klayton Thomas (2017), *Afghanistan: Post - Taliban Governance, Security, and U.S. Policy*, Congressional Research Service.
- Laub, Zachary (2014), "The Taliban in Afghanistan", *Council on Foreign Relations*, Available at <https://www.cfr.org/backgrounder/taliban-afghanistan>, Accessed on 10 November 2020.
- Long War Journal(2015), "Islamic State appoints Leaders of 'Khorasan province, Issues Veiled Threat to Afghan Taliban", *Long War Journal*, Available at: https://www.longwarjournal.org/archives/2015/01/islamic_state_appoin.php, Accessed on 25 November 2020.
- Masi, Alessandria (2016), Taliban's Differences From ISIS Are The Key To Its Success in Afghanistan, *International Business Time*, Available at: <http://www.ibtimes.com/talibans-differences-isis-are-key-its-success-afghanistan-2356690>, Accessed on: 20 November 2020.

- Meierrieks, Daniel and Friedrich Schneider (2016), "The Short- and Long-run Relationship between the Illicit Drug Business and Terrorism", *Applied Economics Letters*, Vol. 23, Issue 18, 1274-1277.
- Mohammad, I (2016), "Instability in Afghanistan: Implications for Pakistan", *Journal of Political Sciences and Public Affairs*, No. 4:213, 1-6.
- Peters, Gretchen (2009), "How Opium Profits the Taliban", *United States Institute of Peace*, Available at http://www.usip.org/sites/default/files/resources/taliban_opium_1.pdf, Accessed on 21 November 2020.
- Piazza, James A. (2012), "The Opium Trade and Patterns of Terrorism in the Provinces of Afghanistan: An Empirical Analysis", *Terrorism and Political Violence*, No. 24, 213-234.
- Rafiq, Aref (2015), Islamic State Goes Official in South Asia, *The Diplomat*, Available at: <https://thediplomat.com/2015/02/islamic-state-goes-official-in-south-asia/>, Accessed on: 25 November 2020.
- Schmalz, Ulrike, Stefan Spinler and Jürgen Ringbeckb (2020), "Lessons Learned from a Two-Round Delphi-based Scenario Study", *Technological Forecasting & Social Change*, Volume 157, August 2020, Pages 120096.
- Shahmohammadi, Mohamadnaji, Salawati Mat Basir & Elmira Sobotian (2016), "Analysis of Drug Trafficking and In Surgency Correlation Case Study of Economic Cooperation Organization (ECO) Region", *Asian Social Science*, Vol. 12, No. 10, pp. 35-41.
- The World Factbook (2017), Washington D.C.: Central Intelligence Agency, *Afghanistan/Land Boundaries*, Available at: <https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/geos/af.html>, Accessed on: 14 November 2020.
- United Nations Office on Drugs and Crimes (2014), *Afghanistan Opium Survey 2014*, Available at: <https://www.unodc.org/documents/crop-monitoring/Afghanistan/Afghan-opium-survey-2014.pdf>, Accessed on: 21 November 2020.
- Zahid, Farhan (2017), "The Islamic State in Pakistan: Growing the Network", *Washington Institute*, Available at: <http://www.washingtoninstitute.org/fikraforum/view/the-islamic-state-in-pakistan-growing-the-network>, Accessed on: 10 November 2020.